خبر

هوش مصنوعی به کمک کارآگاهان می‌آید

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از کاهش وقوع سرقت‌های خشن، قاپ‌زنی و سرقت منزل در تهران خبر داد و گفت: دستگیری و زمینگیر کردن باندهای مهم سارقان و کنترل مستمر مجرمان، نقش مؤثری در کاهش سرقت‌ها داشته؛ همچنین بازوی تحقیقاتی مبتنی بر هوش مصنوعی برای کمک به کارآگاهان پلیس طراحی شده است.

سرهنگ اصغر خدایی با اشاره به آخرین وضعیت کشفیات و وقوعات جرایم در تهران اظهار داشت: در مقایسه با سال‌های گذشته، در بیشتر وقوعات به‌ویژه سرقت‌های خشن، سرقت‌های قاپ‌زنی و سرقت از منازل، شاهد روند کاهشی بوده‌ایم و وضعیت کلی پلیس آگاهی در این حوزه مناسب است.

وی افزود: پلیس آگاهی در کنار پلیس پیشگیری اقدامات مؤثری را برای مقابله با سرقت و پیشگیری از وقوع آن انجام داده است. در حوزه اقدامات تحقیقاتی نیز باندهای مهمی از سارقان که نقش قابل توجهی در وقوع سرقت‌ها داشتند، شناسایی و دستگیر و عملاً زمینگیر شدند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به همکاری دستگاه قضایی با پلیس ادامه داد: مرجع قضایی همکاری خوبی با پلیس دارد و در مواردی که ارتکاب جرم سارقان اثبات می‌شود، مجرمان برای مدت قابل توجهی در زندان نگهداری



یادداشت

محمد غمخوار | دبیر گروه حوادث

خط مقدم مقابله با کلاهبرداران سایبری

در دنیای جرائم سایبری، همیشه برنده کسی نیست که ابزار پیچیده‌تری در اختیار دارد. گاهی مجرم فقط باید بداند چگونه ترس، طمع یا اعتماد یک نفر را هدف بگیرد. کافی است پیامی با عنوان «حساب بانکی شما مسدود شد» روی تلفن همراه بنشیند، وعده برنده شدن در قرعه‌کشی به دست‌مان برسد یا دوستی در فضای مجازی درخواست فوری پول کند. در این لحظه، ممکن است تمام هشدارهایی که بارها درباره لینک‌های آلوده و کلاهبرداری‌های اینترنتی شنیده‌ایم، به حاشیه بروند. یک کلیک کافی است تا اطلاعات شخصی و بانکی در اختیار مجرم قرار بگیرد.

این همان نقطه‌ای است که ضرورت افزایش سواد مجازی خود را نشان می‌دهد؛ مهارتی که دیگر نمی‌توان آن را به دانستن چند نکته درباره تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی محدود کرد. امروز سواد دیجیتال، بخشی از مهارت زندگی است و ناآگاهی در این زمینه می‌تواند به از دست رفتن پس‌انداز یک خانواده یا گرفتار شدن فردی در چرخه‌ای از مشکلات مالی و خانوادگی منجر شود.

آمار پلیس فتا درباره این‌که بیش از ۷۳ درصد مالباختگان پیش از وقوع حادثه هشدارهای امنیتی را شنیده یا دیده بودند، نکته‌ای قابل تأمل دارد. مسأله فقط ناآگاهی از خطر نیست؛ فاصله میان دانستن و عمل کردن است. بسیاری از شهروندان می‌دانند نباید روی لینک ناشناس کلیک کنند اما وقتی پیام با ایجاد ترس یا وعده‌ای وسوسه‌انگیز همراه می‌شود، توانایی تشخیص و تصمیم‌گیری درست تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

مجرمان سایبری نیز دقیقا همین فاصله را هدف گرفته‌اند. اگر در گذشته تصور می‌شد ارتکاب جرائم اینترنتی به دانش فنی پیچیده نیاز دارد، امروز بخش مهمی از کلاهبرداری‌ها با مهندسی اجتماعی انجام می‌شود. یعنی مجرم به‌جای شکستن قفل یک سامانه، تلاش می‌کند صاحب حساب را به باز کردن در وادار کند. جعل هویت افراد آشنا، پیام‌های جعلی بانکی، وعده سودهای غیرواقعی و درخواست‌های کمک مالی، نمونه‌هایی از روش‌هایی هستند که اعتماد و احساسات انسان را به ابزار ارتکاب جرم تبدیل می‌کنند.

در چنین شرایطی، تکرار هشدارهای کلی به‌تنهایی کافی نیست. این‌که بارها گفته شود «روی لینک مشکوک کلیک نکنید» ضروری است اما آموزش زمانی اثرگذار خواهد بود که به مردم یاد بدهد پیام مشکوک را چگونه تشخیص داده و هنگام مواجهه با آن چه اقدامی انجام دهند. شهروند باید بداند اگر فردی با هویت یکی از نزدیکانش درخواست پول کرد، چگونه درخواست را از مسیری مستقل بررسی کند، اگر پیامکی از مسدود شدن حساب بانکی خبر داد، از کدام مسیر رسمی صحت آن را بسنجد و اگر پیشنهادی با سود غیرعادی دریافت کرد، چه نشانه‌هایی را جدی بگیرد.

این آموزش‌ها باید از خانواده آغاز شود، در مدارس و دانشگاه‌ها ادامه پیدا کند و به بخشی از اطلاع‌رسانی مستمر رسانه‌ها و نهادهای مسئول تبدیل شود. آموزش سواد مجازی نباید تنها پس از وقوع کلاهبرداری یا در قالب هشدارهای مقطعی مطرح شود؛ همان‌طور که رعایت اصول ایمنی در رانندگی نیازمند آموزش و تمرین است، تشخیص خطر در فضای مجازی نیز به مهارت‌آموزی مداوم احتیاج دارد.

البته افزایش سواد دیجیتال به‌معنای انتقال تمام مسئولیت به شهروندان نیست. تامین امنیت خدمات اینترنتی، مقابله با حساب‌های مجرمانه، شناسایی شبکه‌های کلاهبرداری و رسیدگی مؤثر به شکایت‌ها، همچنان از وظایف نهادهای مسئول است اما حتی پیشرفته‌ترین ابزارهای امنیتی نیز نمی‌توانند در همه شرایط مانع فریب خوردن کاربری شوند که اطلاعات حساس خود را با اعتماد به یک پیام جعلی در اختیار دیگران قرار می‌دهد. نکته مهم این است که قربانی شدن در دام کلاهبرداران سایبری را نباید صرفا به ساده‌لوحی افراد نسبت داد. مجرمان از روش‌های حساب شده روان‌شناختی استفاده می‌کنند و پیام‌های خود را متناسب با ترس‌ها، نیازها و اعتماد مخاطب طراحی می‌کنند. بنابراین راه مقابله نیز سرزنش مالباختگان نیست بلکه باید با آموزش مؤثر، امکان تشخیص فریب را در جامعه افزایش داد. فضای مجازی هر روز گسترده‌تر می‌شود و به همان نسبت، شناخت خطرات آن باید به ضرورتی عمومی تبدیل شود. اگر قرار است هشدارهای پلیس فتا به کاهش واقعی جرائم منجر شود، باید از مرحله شنیدن عبور کنیم و به مرحله رفتار برسیم: مکث پیش از کلیک، بررسی پیش از پرداخت و راستی‌آزمایی پیش از اعتماد. در بسیاری از پرونده‌ها، مجرم برای فریب قربانی فقط چند لحظه فرصت می‌خواهد؛ افزایش سواد مجازی می‌تواند همین فرصت کوتاه را از او بگیرد.

گفت‌وگوی روزنامه «جام جم» با مردی که زندگی‌اش با یک نصیحت متحول شد

سلطان سابق سرقت، قفل‌ساز شد





لیلا حسین زاده
گروه حوادث

حدود هشت سال پیش با کیومرث امیری گفت‌وگو کردیم؛ مرد ۵۲ ساله‌ای که به‌خود لقب «سلطان سرقت خودرو» داده بود اما پس از ۳۰ سال سرقت خودرو و توبه کردن، حالا به خود عنوان «سلطان پیشگیری از سرقت خودرو» داده است. او آن زمان به ما گفت عشق به رانندگی و هیجان نه مثل خیلی‌ها از دوران نوجوانی که از کودکی در خون او بود. هر باری که برادر بزرگ‌ترش پشت فرمان می‌نشست، تمام وجودش چشم می‌شد و با دقت نگاه می‌کرد او چطور با دنده و ترمز و کلاچ کار می‌کند. اولین باری که پشت فرمان نشست، آنقدر کوچک بود که حتی پاهایش درست و حسابی به ترمز و کلاچ نمی‌رسید. یک روز او و برادرش به رودخانه رفته بودند تا ماشین را بشویند. ماشین را که شستند، برادرش رفت چیزی بخرد. کیومرث که با ماشین تنها مانده بود، به خودش جرأت داد و پشت فرمان نشست و در حالی‌که بین ترمز و کلاچ و فرمان آویزان مانده بود، ماشین را از آب بیرون کشید. برادرش که برگشت، ماشین را بیرون از آب دید. از برادر کوچکش پرسید چه کسی ماشین را از آب بیرون آورده است؟ وقتی کیومرث گفت من، چشمانش از شدت تعجب گرد شد. ۱۰ سالش که شد، ماشین برادرش را دور از چشم او برمی‌داشت و با دوستان بیرون می‌رفت. او تا کلاس دهم دبیرستان درس خواند و سپس ترک تحصیل کرد. به گفته خودش، به‌دلیل علاقه‌اش به درس حرفه و فن، همیشه حرف برای گفتن داشت و برای همین معلم حرفه و فنش همیشه او را تشویق می‌کرد اما هیچ‌کس نبود از این تخصص او استفاده درست کند. امیری مدعی بود قادر است هر خودرویی را سرقت کند و تمام سرقت‌ها را تنها برای هیجان و نه برای امرار معاش انجام می‌داد تا به خودش ثابت کند هیچ خودرویی از سرقت در امان نیست.

سال ۱۳۷۶ که به تهران آمد و زندگی‌اش را شروع کرد، سرقت‌هایش هم آغاز شد. پاتوقش هم بیشتر مناطق پاسداران، قیطریه، سعادت‌آباد و... بود.

به گفته خودش، آن زمان وقتی ماشین خوبی سرقت می‌کرد، آنقدر در خیابان‌ها ویراژ می‌داد تا پلیس دنبالش بیفتد. می‌گوید همیشه چند الگانس پلیس پشت سرش بودند و ماموران سعی می‌کردند با شلیک گلوله به ماشین و شیشه‌اش، او را زمینگیر کنند اما به قول خودش هر طور بود فرار می‌کرد تا گیر نیفتد ولی گاهی اوقات هم دست پلیس به او می‌رسید و با همین روند ۱۰ سال از عمرش را پشت میله‌های زندان گذراند اما با صحبت‌های رئیس سابق شعبه سرقت خودرو در آگاهی شاپور، تصمیم گرفت روی دیگر زندگی را امتحان کند. به گفته امیری، رئیس وقت اداره سرقت پلیس آگاهی مرد شریفی بود و با لحن دلسوزانه‌ای گفته بود این چه زندگی است برای خودت انتخاب کرده‌ای؟! امیری آن زمان دختر کوچکی داشت که او را آوردند تا با پدرش ملاقات کند. وقتی دخترش را دید متحول شد و از آن زمان تصمیم گرفت دیگر سراغ سرقت خودرو نرود. دوباره سراغ امیری رفتیم تا از حال و روزش با خبر شویم و ببینیم این روزها چه می‌کند.

یک زمانی می‌گفتید سلطان سرقت خودرو بودید. حالا می‌گویید سلطان پیشگیری از سرقت خودرو هستید.

معتقدم آدم هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، باید خیلی قشنگ آن را انجام دهد. کار من در سرقت خودرو غلط بود اما همان را هم قشنگ و درست انجام می‌دادم. این طور فکر می‌کنم اگر کاری انجام می‌دهم به بهترین شکل ممکن انجام شود. در سرقت‌ها هم کارم را قشنگ انجام می‌دادم. اگر نمی‌توانستم خودرویی را سرقت کنم، آن را خریداری و قفل و همه چیزش را باز می‌کردم تا ایرادهایش را پیدا کنم تا بتوانم آن ماشین را هم سرقت کنم. با این کار می‌توانستم هر خودرویی را که می‌خواهم سرقت کنم.

چه شد سراغ موضوع پیشگیری از سرقت خودرو رفتید.

از زمانی که سرقت را کنار گذاشتم، یکجورهایی خود را گناهکار می‌دانستم. برای همین مدام به این فکر می‌کردم که چطور پیشگیری از سرقت را انجام دهم. ایرادهای ماشین‌ها را می‌دانستم و خبر داشتم چطور می‌توان یک ماشین را سرقت کرد. با علم به اینها، یک قفل در کارگاهی در زیرزمین خانه‌مان طراحی و بعد تست کردم که خدا را شکر موفقیت‌آمیز بود.

در مورد ساختار قفل‌ها بگویید.

معمولا سارقان در زمان سرقت، قفل فرمان را می‌شکنند و هیچ سارقی آن را باز نمی‌کند. یک چیزی که بین مردم جاافتاده این است که سارقان هر قفلی را باز می‌کنند اما این‌طور نیست. سارقان چون زمان ندارند، تمام قفل‌ها را می‌شکنند. قفلی که ساخته‌ام، از آهن آبدیده ساخته شده و ضدضربه و ضدبرش است و پدال و فرمان را درگیر می‌کند. این قفل آنقدر مقاوم است که حتی با قیچی آهن بر هم بریده نمی‌شود.

چه شد که تصم

پس از ساختن قفل
رفتم و نمونه را به ا
کارخانجات زندان
دادند و از آن زم

حالا به جایی رسیده‌ام که این قفل در زندان مرکزی کرمانشاه تولید انبوه می‌شود. پنج شش سال است ماشین‌هایی که از این قفل استفاده می‌کنند سرقت نشده‌اند.

چرا این قفل در زندان تولید می‌شود؟

چون یک عده آنجا هستند که بدون ملاقات‌اند و کسی نیست خرج‌شان را بدهد. زندانیان این قفل‌ها را تولید می‌کنند تا هم خرج و مخارج‌شان تامین شود و هم ما ببینند که قبلا چه‌کاره بودم تا آنها نیز مرا به چشم مشوق خود ببینند و مثل من تغییر کنند.

مرگ تلخ گروگان در پرونده اخاذی ۴۰ میلیاردی

مرگ پسر ۲۱ ساله در پرونده آدم‌ربایی، دستگیری متهم کلاهبرداری ۳۰۰ میلیارد تومانی املاک و بازداشت اعضای باند موبایل‌قاپی خشن، مهم‌ترین اخبار پلیس تهران در شبانه‌روز گذشته است.



مرگ گروگان ۲۱ ساله

به گزارش خبرنگار جام جم، ۱۲ شهریور امسال، کارآگاهان پلیس آگاهی با شکایت خانواده پسر ۲۱ ساله‌ای، در جریان ربوده شدن او قرار گرفتند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد فردی به بهانه تحویل گواهینامه رانندگی، پسر جوان را به پاکدشت کشانده و پنج سرنشین یک دستگاه پژو ۴۰۵ او را در محل قرار ربوده‌اند.

چند روز بعد، آدم‌ربایان با استفاده از تلفن همراه گروگان با خانواده او تماس گرفتند و با ارسال تصاویری از شکنجه پسر جوان، برای آزادی‌اش ۴۰ میلیارد تومان درخواست کردند. آنها تهدید کردند در صورت پرداخت نشدن پول، گروگان را خواهند کشت و اعلام کردند وجه باید در شهر هرات افغانستان پرداخت شود.

کارآگاهان اداره مبارزه با آدم‌ربایی، با وجود گذشت ۱۳ روز از وقوع حادثه موفق شدند با استفاده از تصاویر موجود، سه متهم را در زابل و زهک استان سیستان‌وبلوچستان دستگیر کنند. اعترافات این افراد، سرنخ‌هایی درباره سه متهم دیگر در نظرآباد استان البرز به‌دست داد. در ادامه، با بررسی دوربین‌های مراکز خرید، سه متهم دیگر شناسایی و دستگیر شدند.

در بازرسی از مخفیگاه متهمان در نظرآباد، اسناد و مدارک پسر ربوده‌شده کشف شد. بررسی محل نشان داد تصاویر ارسالی برای خانواده گروگان از همین مکان تهیه شده است؛ جایی که پسر جوان در آن نگهداری می‌شد.

تحقیقات نشان داد دو نفر از متهمان در ربودن جوان نقش داشته‌اند و نفر سوم مسئول نگهداری از او در خانه‌اش بوده است. سه متهم دیگر نیز به افغانستان متواری شده و از مناطق مرزی با خانواده گروگان تماس می‌گرفتند.

متهمان دستگیرشده مدعی شدند پسر جوان خودکشی کرده و آنها جسدش را به بیابان برده و پس از سوزاندن، دفن کرده‌اند. در پی این اظهارات، ماموران به منطقه قشلاق آبیک رفتند و بقایای جسد سوخته را کشف کردند. بقایا برای بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شد.

با توجه به ادعای متهمان مبنی بر این‌که گروگان در منطقه فرون‌آباد پاکدشت ربوده شده است، پرونده با صدور قرار عدم صلاحیت برای رسیدگی به مراجع قضایی پاکدشت تحویل شد.

کلاهبرداری ۳۰۰ میلیاردی با فروش ملک دیگران

در پرونده دوم، ۲۱ آبان سال گذشته، ماموران اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی در پی ارجاع پرونده‌ای از دادسرای ناحیه ۲، رسیدگی به کلاهبرداری با شگرد فروش املاک غیر را آغاز کردند.

براساس اظهارات دو شاکی، پاییز دو سال قبل مردی با ادعای خرید به آنها مراجعه کرده و با بهانه بازدید از بخش‌های مختلف ساختمان، از ملک عکس گرفته بود. مالکان پس از چندین بار مراجعه خریدار قلابی، از فروش منصرف شدند اما مدتی بعد، از طریق مشاوران املاک متوجه شدند فردی بدون اجازه آنها تصاویر ملک را در فضای مجازی منتشر کرده و فروش آن را با قیمتی بسیار پایین‌تر به بنگاه‌های مختلف سپرده است.

بررسی‌های پلیس نشان داد وکالت‌نامه‌ای در سال ۱۳۹۲ تنظیم شده که براساس آن، اختیار فروش تمام املاک این دو نفر به فرد دیگری واگذار شده بود در حالی که مالکان در آن زمان هنوز ملک مورد ادعا را خریداری نکرده بودند.

با شناسایی متهم، ماموران سه‌شنبه شب او را حوالی خیابان مطهری دستگیر کردند. این مرد در بازجویی‌ها به تنظیم ۵۰ وکالت‌نامه جعلی به ارزش ۳۰۰ میلیارد تومان اعتراف کرد. او پس از تکمیل تحقیقات همراه پرونده به دادسرا معرفی شد.

دستگیری موبایل‌قاپان خشن

در پی افزایش سرقت‌های خشن تلفن همراه در تهران، کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای شناسایی عاملان آغاز کردند.

بررسی‌ها نشان داد اعضای این باند پنج نفره با استفاده از موتورسیکلت و از طریق تهدید و ضرب‌وشتم، تلفن همراه شهروندان را سرقت می‌کنند. کارآگاهان پس از شناسایی مخفیگاه متهمان در محله خزانه و مناطق ملارد و شهریار، ساعت ۵ صبح در عملیاتی همزمان در سه نقطه وارد عمل شدند و همه اعضای باند را دستگیر کردند.

متهمان در بازجویی‌های اولیه سرقت به عنف را انکار کردند اما پس از مواجهه با مستندات پلیس به چندین فقره موبایل‌قاپی اعتراف کردند. تاکنون ۱۸ مالباخته با شناسایی متهمان از آنها شکایت کرده‌اند و تحقیقات برای شناسایی سایر قربانیان ادامه دارد.

کشف ۹ کیلوگرم گل از ساقی تلگرامی

در آخرین پرونده، ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران در جریان رصد فضای مجازی و مقابله با فروشندگان اینترنتی مواد مخدر، فعالیت یک کانال تلگرامی را شناسایی کردند که به‌صورت مجازی اقدام به فروش مواد می‌کرد.

بررسی‌های بیشتر نشان داد گرداننده کانال با تبلیغ و جذب مشتری، انواع مواد مخدر را عرضه می‌کرد و با انتشار تصاویر، نوع و کیفیت مواد را برای خریداران توضیح می‌داد.

در ادامه، ماموران مخفیگاه متهم را در شرق تهران شناسایی و او را دستگیر کردند. در بازرسی از این محل، ۹ کیلوگرم مخدر گل و اقلام بسته‌بندی کشف و ضبط شد. تحقیقات درباره فعالیت متهم و ابعاد دیگر این پرونده ادامه دارد.

پدر، پسر قاتلش را

مردی که به اتهام قتل همسرش زندانی شده بود از سوی قیم دو فرزندش بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، فرشید ۳۸ ساله متهم است همسر جوانش را در جریان اختلاف خانوادگی ششم تیر امسال با دستانش در خانه سرایداری ساختمانی در اندرزگوی تهران خفه کرده است. او ساعاتی بعد از این جنایت بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد. با گذشت بیش از چهار ماه از این جنایت، چند روز پیش متهم برای آخرین جلسه تحقیقات قضایی به شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در تشریح ماجرا گفت: ثمره زندگی من و مقتول، دختر و پسری خردسال است. ۱۰ سال قبل ازدواج کردیم. در این سال‌ها نتوانستم شغل و درآمد مناسبی پیدا کنم و زندگی‌مان همیشه با سختی پیش می‌رفت. مدام همسرم با من درگیر بود که چرا در این سال‌ها نتوانسته‌ام خانه و زندگی درست و درآمد مناسب داشته باش
داشتیم که مقابل آ
رفتن مهمان‌ها دو
من در اتاق دیگری
را به اتاق خودم آورد
می‌کرد. دستانم را
فوت کرد. بعد هم
پدر متهم به قتل ک
از طرف آنها، درخوا
جلب به دادرسی از
جنایی تهران صادر
دادسرای جنایی
ترتیب قاتل از قصا
کیفری یک استان
خواهد شد.

از سرقت گوش



یکی از اعضای باندی که شبانه به دکه‌های سطح شهر تهران دستبرد می‌زدند بازداشت شد و راز اخاذی و سرقت‌های سریالی دو همدست فراری‌اش را فاش کرد.

به گزارش خبرنگار «جام جم»، اوایل تابستان امسال مردی با حضور در شعبه دهم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران شکایت کرد دکه‌اش حوالی محله فردوسی تهران مورد سرقت قرار گرفته است.

پرونده با دستور قضایی به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکی در تشریح ماجرا گفت: دزدان شبانه به دکه‌ام دستبرد زده و دستگاه قهوه‌ساز، مواد خوراکی و نوشیدنی، پاکت‌های سیگار، فندک، آدامس و سیگارهای الکترونیکی را سرقت کرده بودند.

ماموران با حضور در محل سرقت
بازبینی فیلم دوربین‌های مداربس
اطراف پرداختند و دیدند سه م
نقابدار نیمه‌شب سرقت را انج